



از زبان رایا ...

میگیریم و برای فعالیت های دانشجویی آماده می شویم. اینجا قرار است ذره بین ها را برداریم و ریز و درشت رخدادها را بررسی کنیم؛ سپس به نقد آنها بپردازیم و اندکی در جهت رشد شخصیت خودمان قدم برداریم.

به لحاظ ترتیب انتشار هم گاه نامه ایم، یعنی منتظر ما باشید اما تاریخ معینی برای انتشار نداریم.

بنابراین برای اینکه از اخبار و تاریخ حدودی انتشار رایا مطلع شوید و فرمهای همکاری با ما را پر کنید و پس از آن مقالات و نوشته هایتان را برای ما بفرستید، باید از طریق تلگرام و کانال رسمی مان با ما در ارتباط باشید. در انتها نیز از تعداد بیشتر همراهمان برای تهیه این شماره تشکر می کنیم و خرسندیم که توانستیم بستر مناسب و محیط لازم برای فعالیت شما را فراهم کنیم.

✱ با آرزوی موفقیت های روزافزون ✱
شورای سردبیری

رایا قرارگاه کسانیت که قصد ندارند سال های تحصیل خود را در دانشگاه به بطالت بگذرانند. آن ها زندگی درگیر با کرونا را محدود به آشپزخانه، اتاق خواب و شستشوی ۲۰ ثانیه ای دست ها نمی دانند و در دغدغه شان صرفا پاس کردن واحد ها و فارغ التحصیل شدن نیست. رایا ایجاد شد تا در صورت لزوم مطالبه گر باشیم و تعقل کنیم.

اگر به معنای رایا نیز بپردازیم با کلمات زیبایی رو به رو خواهیم شد. رایا در زبان فارسی به معنای اندیشمند، در زبان عربی به معنای پرچمدار و در زبان روسی به معنای آسمان است. پس قرار است مانند معنای فارسی رایا اندیشمند شویم، به سان معنای عربی پرچمدار مطالبه گری، حقیقت طلبی و عدالت خواهی باشیم و سقف رویا ها و اهدافمان هم مانند معنای روسی آن بی انتها باشد.

مردم ما ملتی شریف هستند و لیاقت بهره مندی از بهترین ها را دارند. آنها بارها در طول تاریخ این مورد را ثابت کرده اند و خوشحالیم که ما نیز تلاش می کنیم تا نشریه با کیفیت و وزین را تقدیمتان کنیم. پس عینک هایمان را به چشم می زنیم؛ قلم ها را در دست



در قیلت آوینی

بیستم فروردین ماه سال هزار و سیصد و هفتاد و دو سالگرد شهادت سردار جهاد فرهنگی و هم سفر آقایان چمران و خرازی و باکری و هزاران دلیر دیگر است.

اودر سال هزار و سیصد و چهل و دو برای تحصیل معماری وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. در آن سال ها خود را کامران معرفی می کرد اما میان کامران آوینی و سیدمرتضی آوینی از زمین تا آسمان فرق است...

شهید سید مرتضی آوینی

گمان نکنید که من با زندگی و سبک و سیاق مظاهران به روشنفکری اشنایی ندارم؛ خیر! من از یک راه طی شده با شما سخن می گویم. من هم سال های سال در یکی از دانشکده های هنر درس خوانده ام و به شب شعر و گالری های نقاشی رفته ام و به موسیقی کلاسیک گوش داده ام، ساعت ها از وقتم را به مباحثه ی بیهوده در باره ی چیزهایی که نمی دانستم گذرانده ام. من هم سال ها با جلو فروشی و تظاهر به دانسته ی بسیار زیسته ام. ریش پروفیسوری و سبیل نیچه ای گذاشته ام و کتاب تک ساختی عربرت مارکوزی را بی آنکه خوانده باشم طوری دست می گرفتم که دیگران جلدش را ببیند و با خودشان بگویند: عجب! فلانی چه کتاب هایی میخواند، معلوم است خیلی می فهمد!! اما خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشید که ناچار شدم رودریاستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که تظاهر به دانایی جایگزین دانایی نمی شود و حتی از این بالاتر دانایی با تحصیل فلسفه حاصل نمی شود. باید در جست و جوی حقیقت بود و حقیقت برای هر کسی که طالب راستین آن باشد آشکار می شود... پس از یک راه طی شده با شما سخن می گویم. حقیقتاً شهید آوینی نمونه ی بارز ایجاد تحول و تغییر مسیر زندگی جوانان به واسطه ی انقلاب اسلامی بوده است.

وی در اوایل انقلاب با اینکه در رشته ی معماری تحصیل کرده بود اما در فضای رسانه ای جنگ احساس نیاز و خلا کرد و وارد این عرصه شد. سپس با شروع جنگ در قالب گروه رسانه ای جهاد به جبهه های دفاع مقدس شتافت. با سقوط خرمشهر و محاصره ی سنگین آبادان به این مناطق رفت و مجموعه مستند «حقیقت» را ساخت و همزمان با عملیات والفجر ۸ نیز مجموعه



قم جهانی تر می شود صنعتی قم متفاوت تر!

خبر کوتاه بود و جالب

البته عجیب و غریب تبدیل می کند. قبول ندارید؟ کافی است به پایه های مونوریل بدون قطار نگاهی بیاندازید!

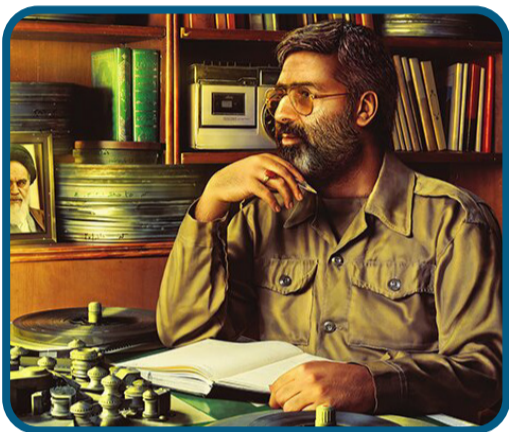
اگر آن بنده خدای خارجی (بنده ی خارجی خدا) دلیش را پرسید؟ چه بگوییم؟!

پروژه ی عجیب فرودگاه قم را هم اضافه کنید که نزدیک به یک دهه است قمی ها و همچنین زائران زیادی را برای پرواز در انتظار نگه داشته. البته نکات مثبتی هم وجود دارد، از لهجه ی خاص قمی گرفته تا غذاهای مخصوص این شهر. از این ها گذشته اسامی بعضی از مناطق قم حتی برای خود قمی ها نیز عجیب و غریب است. برای نمونه می توان به «زنبیل آباد»، «جسارتا» کوچه های «ننه عباس» و «تف به چوب» و یا چهارراه «اکبر ریش» اشاره کرد. نمونه های دیگری نیز می توان نام برد که به علت وجود محدودیت های اخلاقی از آن معذوریم... لازم به ذکر است اکثر این اسامی رسمی نیستند اما نزد ساکنین محلی به این نام شناخته می شوند و البته این مورد خاص در سایر شهرهای ایران نیز به چشم می خورد. از عجایب قم که بگذریم تازه نوبت به عجایب دانشگاه می رسد که می توان در فرصت دیگر در مورد آن سطرها نوشت.

در هر صورت همه ی ما امیدواریم بین المللی شدن دانشگاه، منجر به افزایش بیشتر سرعت چرخ پیشرفت آن شود. چرخه ی که در دو سه سال گذشته جان تازه ای گرفته و با موفقیت روبرو شده است.

دکتر رضایی نور ریاست محترم دانشگاه صنعتی قم در گفتگو با خبرنگاری موج، خبر از جذب دانشجوی بین المللی توسط این دانشگاه از مهرماه امسال داد. بدلیل حضور قابل توجه دانشجویان و طلاب خارجی در شهر قم، پیش بینی شده این امر با استقبال خوبی توسط علاقه مندان به تحصیلات دانشگاهی روبرو شود. در این میان، راه اندازی فرودگاه قم نیز قطعاً تأثیر مطلوبی خواهد داشت. هر چند احتمال می رود اکثر این دانشجویان جدیدالورود خارجی تا حد خوبی با شهر قم اشنایی داشته باشند اما برای لحظاتی خود را جای دانشجویی قرار دهید که برای اولین بار چشمش به جمال شهر قم و البته عجایب دانشگاه صنعتی قم باز می شود. در عجیب بودن دانشگاه ما همین بس که از نظر جغرافیایی یک سمت آن را آرامستان بهشت معصومه (س) و سمت دیگر دانشگاه را اداره کل پزشکی قانونی احاطه کرده اند!

حقیقتاً روی کاغذ کمی ترسناک به نظر می رسد. به هر حال این دانشگاه در یکی از متفاوت ترین شهرهای ایران جا خوش کرده پس دور از انتظار نیست که صنعتی قم این عجایب را از قسمت دوم نامش یعنی قم وام گرفته باشد. اگر بخواهیم از تفاوت های قم با سایر شهر های ایران وجه بسا جهان سخن بگوییم حرف بسیار است. بدون شک اصلی ترین تفاوت این شهر وجود حرم پاک و مطهر حضرت معصومه (س) است. از حوزه های علمیه قم هم که بگذریم، همچنان دلالی وجود دارد که قم را به شهری متفاوت و



تلویزیونی «روایت فتح» شکل گرفت. حد فاصل پذیرش قطع نامه تا تاسیس موسسه ی روایت فتح در سال ۱۳۷۰ مجموعه مقالات اندیشه ساز شهید آوینی در فصل نامه فارابی و ماه نامه سوره منتشر می شد؛ این مقالات شامل ماهیت هنر و سینما و جذابیت سینما و حاصل شده از تجربیات وی بود بزرگ ترین میراث ایشان فارغ از روایت فتح که در زنده نگه داشتن خاطرات بی شمار دفاع مقدس و روایت درست و همه جنبه ی آن فعالیت میکرد؛ این بود که دغدغه امور فرهنگی موثر و کارآمد را در بطن جوانان ما کاشت و توانست به واسطه ی قلم زیبا و توضیح جامع مفاهیم اسلام، آنها را به گوش مردم جامعه برساند.

شهید آوینی در اوج تمدن های لیبرال و همچنین اوج تمدن اسلامی بوده است و این حضور باعث دید همه جانبه او شده بود؛ او از زاویه دید کسانی نگاه می کرد که هیچ بنا فکری و نگرش مشترکی با او نداشتند و به این سبب راه درست انتقال مفاهیم انقلاب اسلامی به آنان را می یافت.

جای خالی آوینی و امثال ایشان در دهه هشتاد بیشتر از قبل احساس شد؛ جایی که رسانه های خارجی یا زیر زمینی گوی رقابت را از رسانه ی داخلی دزدیند و کسانی الگو و مراد مردم شدند که حتی قدرت تشخیص ساده ترین مسائل زندگی شخصی شان را نداشتند؛ و رفته رفته رسانه های ملی جایی برای پیاده کردن تفکرات احمقانه و متعصبانه ای شد که ثمره اش همین وضع منفعل رسانه ی ملی است. این ها خسران فقدان تفکر عمیق و مبنایی آوینی است، فقدان هدف

سنجی و ابتکار و دید جامع آوینی است. و در کلام پایانی کار فرهنگی باید هدف مند باشد؛ سپس با تعیین هدف ومخاطب شناسی کار می تواند صحیح پیش رود و وقتی مبنای کار شناخته شد می توان کاری کرد که تفکر و عمل شما ستاره ی راهنمای فعالان دیگر شود؛

درست مانند آوینی.



سودای مرگ

خواهد ماند. در دین یهود خودکشی امری نکوهش شده است و جسد فرد بی آنکه مراسم خاصی برایش برگزار گردد در آرامگاهی جدا دفن می شود. و در دین مسیح این عمل از نظر عقلی گناه محسوب می شود. نکته دیگری که توجه ما را به خودکشی می کند این است که گاهی فرد خودکشی کننده بر اثر تاثیرات فرد دیگر دست به این اقدام می زند؛ در کتاب الموت نوشته ولادیمیر بارتول به زیبایی و بسیار هنرمندانه این مطلب در قالب رمان بیان شده و البته این رمان بازگو کننده بخشی از تاریخ ایران نیز هست. **سازمان بهداشت جهانی دهم سپتامبر را روز جهانی پیشگیری از خودکشی معرفی کرده** و شعارهای متفاوتی برای هر سال برگزیده است. مثلاً سال ۲۰۱۷ با شعار یک دقیقه وقت بگذارید، زندگی ای را نجات دهید نام گذاری شده بود. و در انتها سوالی است که فردی که میخواهد دست به این اقدام بزند باید از خود بپرسد: آیا زندگی شیرین من و آینده و اهداف من تا کمترین میزان هم برایم ارزش نداشته تا برای بدست آوردن آن بجنگم؟ و آیا من یگانه قدرت هستی را فراموش کرده ام زمانی که میگوید: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را...؟؟ **و همانا خودکشی نکنید که خداوند نسبت به شما مهربان است.**

تصور همه ما زمانی که صحبت از خودکشی به میان می آید این است که فقط افرادی که از نظر عاطفی دچار شکست شده اند یا کسانی که در شرایط بد مالی قرار دارند اقدام به خودکشی می کنند. **با اینکه خودکشی امری نفی شده و حرام** است ولی تاریخ ثابت کرده که نه تنها افراد سرخورده دست به خودکشی میزنند؛ بلکه انسان های موفق نیز به خودکشی روی آورده اند. از جمله این افراد: رابین ویلیامز کمترین مطرح دنیا که ما با بخشی از کار هایش آشنا هستیم. اما نکته قابل توجه اینجاست که فردی که اقدام به خودکشی میکند صرفاً به دنبال مرگ حقیقی نیست؛ یعنی میل به مردن ندارد بلکه بیشتر به دنبال راهی از آشفتگی هاست و خودکشی را راه فراری میداند تا با آن از مشکلات ذهنی اش خلاصی یابد. زیرا در برهه ای از زندگی بنا به دلایل متفاوت توانایی خود را فراموش کرده و دست به این اقدام زده است. گفتیم که در جهان افراد سرشناس بسیاری با خودکشی به زندگی خود پایان دادند. افراد موفق و صاحب سبکی که طرفداران بسیاری دارند؛ از جمله صادق هدایت که در داستان زنده به گور به خودکشی پرداخت و یا ون گوگ که در نقاشی سبک منحصر به خودش را داشته است. با نگاهی کوتاه به زندگی هر کدام از این انسان های معروف که متأسفانه دچار عمل حرام خودکشی شده اند؛ درمیابیم این موفقیت آنها هیچ گونه تاثیری در بازداشتن آنها از این عمل نداشته است و هر کدام به نوعی در زندگی شخصی خود از آشفتگی هایی رنج می بردند. شاهدیم که خودکشی در ادیان بزرگ جهان مورد نکوهش واقع شده است!! برای مثال **در دین اسلام طبق آیات ۳۰ و ۳۹ سوره نسا و ۳۲ سوره مائده این امر از محرمات مسلمانان شمرده میشود** و گناه کبیره است. همچنین امام صادق (ع) می فرماید: هر کسی خودکشی کند برای همیشه در آتش جهنم باقی



زهرا عاصم آبادی *



چرخ توسعه روی ریل مسئولیت

مسئولیت اجتماعی عاملی مهم در کشورهای توسعه یافته و یکی از نتایج مهم و اساسی مسئولیت و تعهد اجتماعی در هر جامعه است.

مسئولیت اجتماعی در شرکت ها متشکل از مجموعه وظایفی است که شرکت مورد نظر، بایستی نسبت به افرادی که در آن شرکت فعالیت میکنند انجام دهد. و به چهار جنبه مسئولیت اجتماعی، زیست محیطی، سرمایه انسانی خیرخواهانه و اخلاقی تقسیم شده است که مهم ترین آن مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی است.

یک چارچوب و محدوده اخلاقی که مهم ترین عامل در توسعه ی کشور در ابعاد مختلف است و منافع زیادی را بدنبال دارد. این محدوده و چارچوب اخلاقی بعنوان وظیفه ای بر عهده افراد، سازمان و یا نهادی خاص گذاشته می شود. در کل مفهومی در حدود انجام وظایف فردی به وسیله تک تک افراد جامعه دارد و هر فرد، بصورت عادی موظف به انجام آنها است و سبب ایجاد تعادل بین اکوسیستم و اقتصاد جامعه می شود.

در ذکر مفهوم مسئولیت اجتماعی همواره مقایسه هایی میان توسعه اقتصادی از بعد مادی و همچنین آسایش و رفاه جامعه و سامان یافتگی محیط، وجود دارد.

تلاش های بسیاری برای کمرنگ کردن این موضوع صورت گرفته است اما با بدون آگاهی و یاهمراه با غرض ورزی، این تلاش ها هنگامی ثمر می دهد که تعریف مسئولیت اجتماعی در ایجاد تعادل بین دو مفهوم ذکر شده قرار گیرد!

درواقع طی این تلاش ممکن است برخی از گروه های جامعه با مشکل مواجه شوند و این تلاش برای آنها مشکل به وجود آورد! جمله ی آشنای مرتبط با این موضوع هم میگوید: **برخی باید زیر چرخ های توسعه له شوند.**

در اکثر جوامع، مسئولیت اجتماعی مسئولیتی قانونی و الزامی نیست و بصورت اخلاقی مطرح میشود. در جوامعی که توسعه یافته هستند، بصورت وظایف فردی دارای اهمیت است و مسئولیت اجتماعی امری اجباری و پذیرفته شده میان افراد جامعه است؛ متأسفانه در جوامعی که دچار فقر فرهنگی هستند، چنین موضوعی وجود ندارد.

در حوزه های مختلف شرکت ها و بنگاه ها این مسئولیت Corporate social responsibility و به اختصار CSF می نامند و بعد های مختلفی برای



مبینا ابراهیمی *

پرسه

به صرف تقرّج در عالم کتاب، فیلم، موسیقی، تکنولوژی، ورزش و کسب و کارهای نوپا بخشی دائمی را ایجاد کردیم تا تجارب پرسه زدن هایمان را مشترک شویم. شما هم میتوانید هر آنچه که برایتان دلپذیر بوده را به دوستانتان معرفی کنید و بعد از بررسی توسط آنها به نقد آن بنشینید.

پس برای بهره مند شدن دوستانتان از خواننده ها، شنیده ها، نوشته ها و اطلاعاتتان؛ از طریق ادمین رایا با ما در ارتباط باشید.



عینی ندارد اگر حالت خوش نیست موجهه ا ندوه و فندان در فریگی که اینها را برسی اند مکان دیوان

@Raya_mag



سوگ هیچ ایرادی ندارد. سوگ امتداد طبیعی عشق است، پاسخی سالم و عاقلانه به فقدان. این که سوگ حس بدی به همراه دارد باعث نمی شود بد باشد. این که شما احساس می کنید دیوانه شده اید دلیل نمی شود دیوانه باشید. سوگ بخشی از عشق است، عشق به زندگی، عشق به خود، عشق به دیگران. فقدان، درست مثل عشق، منفرد است.

این که کسی فقدانی را تجربه کرده باشد، حتی اگر فقدانی بسیار مشابه شما باشد، به این معنا نیست که لزوماً شما را درک می کند... نویسنده کتاب می کوشد نگاه تازه ای را به چالش سوگ و فقدان مطرح کند.

او معتقد است که همه ی انسان ها الزاماً مراحل سوگ را به شیوه ای که کوبلر راس گفته طی نمی کنند و این نگاه، نگاهی است که بیش از حد ساده شده است. همه ی بخش های کتاب دیوانه دیوانه ممکن است برای مخاطب جذاب نباشد. ضمن این که وارد حاشیه هایی شده که شاید از حوصله ی خواندن کسی که با چالش سوگ دست و پنجه نرم می کند، خارج باشد. اما نکات و ایده ها و پیشنهادهای توصیه های ارزشمندی هم در کتاب آمده است که باعث می شود این کتاب، خواندنی و قابل استفاده باشد.